**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش صاحب فصول**

**بررسی پاسخ شیخ به فرمایش صاحب اصول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتاد و پنجم\_25 اسفند 1398**

قال الشیخ قدس سره:

و إن کان ذلک الطریق منصوبا عند إنسداد باب العلم بالواقع، فنقول: إن تقدیمه حینئذ علی العمل بالظن إنما هو مع العلم به و تمییزه عن غیره، إذ حینئذ یحکم العقل بعدم جواز العمل بمطلق الظن مع وجود هذا الطریق المعلوم، إذ فیه عدول عن الامتثال القطعی إلی الظنی، فکذا مع العلم الاجمالی، بناء علی أن الامتثال التفصیلی مقدم علی الاجمالی أو لان الاحتیاط یوجب الحرج المؤدی إلی الاختلال.  
أما مع إنسداد باب العلم بهذا الطریق و عدم تمیزه عن غیره إلا بإعمال مطلق الظن، فالعقل لا یحکم بتقدیم إحراز الطریق بمطلق الظن علی إحراز الواقع بمطلق الظن.

اشکال پنجم شیخ اعظم قدس الله نفسه الزکیه به مرحوم صاحب فصول این است که جناب صاحب فصول از همه اشکالات گذشته که چشم پوشی کنم، نتیجه فرمایش شما جواز عمل به ظنون در مساله اصولیه است، نه حتمیت، و تعینیت آن چه اینکه آن طریقی را که می گویید علم اجمالی دارم به نصبش اگر نصب شده است حتی فی حال الانفتاح که در جلسه گذشته بررسی شد، اما اگر آن طریقی را که می گویید نصب شده است فقط در صورت انسداد باب علم به واقع نصب شده، می گوییم بله در چنین جایی اگر علم به این طریق داشتیم، نوبت به مراجعه به ظن در مساله فقهیه نمی رسید، اگر می دانستم راه الف جعل شده است، حق نداشتم به جای دیگری بروم، اما اگر فرض ما این است که به این طریق علم نداریم و نمی توانیم این طریق را از غیرش تشخیص بدهیم بالخصوص و تنها راه اعمال مطلق الظن است، در این جا دیگر عقل حکم نمی کند که ان طریق مقدم است بر ظن در مساله فرعیه. و ان کان ذلک الطریق، اگر ان طریقی را که شما صاحب فصول سخن از نصب ان می کنید، منصوبا، نه حتی فی حال الانفتاح بلکه منصوبا عند انسداد باب العلم بالواقع، این در خصوص زمان انسداد نصب شده است، این و ان کان در برابر ان جمله ای بود که اواخر صفحه 446 داشت ان کان منصوبا حتی فی حال الانفتاح، حال می گوید نه بلکه مخصوص حالت انسداد، اگر این است فنقول قبول داریم این جا در یک صورت در ظن به مساله فقهیه مقدم است اما ان کجاست؟ انّ تقدیمه حینئذ علی العمل بالظن، حال که علم به واقع بابش مسدود است قبول داریم یک جا داریم که عمل به این طریق، مقدم است بر عمل به ظن در مساله فقهیه فرعیه و آن کجاست؟ آن جایست که به این طریق، علم داشته باشیم. ان جایی است که این طریق را از غیرش جدا کنیم.

إن تقدیمه حینئذ( در حال انسداد) علی العمل بالظن (تقدیم ان طریق بر عمل به ظنون در مساله فرعیه در صورتی است که: ) إنما هو (این تقدیم) مع العلم به (علم به این طریق) و تمییزه(این طریق از غیرش) عن غیره،(نه علم اجمالی داشته باشم مشخصا جدا باشد، تمیرش داده باشم جدایش کرده باشم) إذ حینئذ یحکم العقل بعدم جواز العمل بمطلق الظن مع وجود هذا الطریق المعلوم

( اگر علم تفصیلی تمیزی به این طریق داشتم، عقل می گوید سراغ ظنون به مسائل فرعیه نباید بروی، در حالی که علم به طریق داری، عقل می گوید به مطلق ظن عمل نکن، چون این طریق معلوم را داری. چرا عمل نکن، چرا سراغ ظن به حکم فرعی نروم؟)

، إذ فیه عدولٌ عن الامتثال القطعی إلی الظنی،

( وقتی که امتثال قطعی ممکن است و راه باز است شما سراغ امتثال ظنی بروی، غلط است، پس در حالت انسداد باب علم به واقع درست است به محضر امام نمی توانم برسم ولی دو راه حل دارم که با وجود راه حل اول، نوبت به راه حل دوم نمی رسد، راه حل اول امتثال ان طریق معلوم و مشخص و معیّن است. این یک راه. دوم عمل به ظنون که بشود امتثال ظنی. قطعا با وجود راه اول عقل اجازه انتخاب راه دوم را به ما نخواهد داد، این جایی بود که باب العلم بالواقع مسدود بود، اما باب العلم بهذا الطریق مفتوح بود، )

أما مع إنسداد باب العلم بهذا الطریق و عدم تمیزه عن غیره إلا بإعمال مطلق الظن،

(اگر فرض کردیم راه علم به واقع مسدود است و محضر امام نمی توانم بروم، دوم راه علم به طریق الی الواقع هم مسدود نمی دانم مشخصا شارع چه راه حلی را باز کرده است، در این جا من هستم با دو ظن، یکی ظن در مساله اصولیه، یکی ظن در مساله فقهیه، این جا چه کسی گفت یکی از این دو بر دیگری مقدم است؟ اما مع انسداد باب العلم بهذا الطریق، همچنان که علم به واقع مسدود است، علم به این طریق هم مسدود باشد، و نتوانم این طریق را از غیرش جدا کنم، نهایتا علم اجمالی دارم که یک طریقٌ مایی نصب شده است، الا باعمال مطلق الظن، جدا کردن یک راه از دیگری فقط ظنی است. علم به این که فقط راه الف، نه باء ، نداریم در چنین جایی)

فالعقل لا یحکم بتقدیم إحراز الطریق بمطلق الظن علی إحراز الواقع بمطلق الظن.

(در این جا دیگر عقل نمی گوید حال که ظنی شد، ظن به طریق مقدم استئبه ظن به واقع، یا بگو ظن در مساله اصولیه مقدم است بر

ظن در مساله فقهیه، حال که باب باب ظنون است، فرقی بین این دو ظن نخواهد بود.)

و کأن المستدل توهم أن مجرد نصب الطریق و لو مع عروض الاشتباه فیه موجب لصرف التکلیف عن الواقع إلی العمل بمؤدی الطریق کما ینبئ عنه قوله. و حاصل القطعین إلی أمر واحد و هو التکلیف الفعلی بالعمل بمؤدیات الطرق.

کان مستدل یعنی حضرت صاحب فصول اعلی الله مقامه فرض کرده است، تصور کرده است که حتی اگر طریقی نصب شد و من فقط علم اجمالی به ان طریق داشتم، مشتبه بود بین الف و الباء و الجیم، مشخص نبود، تمیز داده شده نبود، همین دیگر نمی گذرد شما سراغ تکلیف به آن مساله فقهیه فرعیه بروی. دیگر فقط باید ببینی مودی این طریق چیست. همین علم اجمالی شما برای شما بس. ببینید صاحب فصول از یک طرف ادعا کرد علم اجمالی به وجود تکالیف را، از طرفی ادعا کرد علم اجمالی به نصب طریق را. می خواهد بگوید همین کافی است که دیگر همه راه ها را ببندید. ظن به مساله فقهیه یعنی چه، همین علم اجمالی برای شما بس است. در حالی که جناب صاحب فصول اگر علم تفصیلی به این طریق داشتم بله. اما وقتی علم تفصیلی ندارم و نهایتا علم اجمالی است این تصور شما جایی ندارد.

اجازه بفرمایید بنده با بیان خودم این خامسا مرحوم شیخ را بیان کنم. جناب صاحب فصول شما ادعا کردید معینا باید سراغ ظن به طریق رفت نه سراغ ظن به مساله فقهیه فرعیه ما عرض می کنیم، این سخن از تعیین در چند جا مورد دارد، ببیند آیا بحث ما از این موارد هست یا نیست؟

1. شما می توانید سراغ امام بروید و از امام حکم را بپرسید در عرض این می توانید به خبر واحد هم عمل کنید، اگر این باشد ما تکلیفمان روشن است. اگر گفته بودند فقط از امام بپرس، فقط از امام می پرسیدیم، حال که دو راه را قرار داده اند ما هر دو راه را داریم. اما فرض ما که این نیست.
2. فرض ما این است که زمان زمان انسداد است.و حال که زمان انسداد است شارع برای این زمان انسداد چه کرده است؟ می­فرمایید شارع طریقی نصب کرده است؟
   1. اگر علم تفصیلی دارید به این طریق؛ سراغ ظن به مساله فقهیه حق ندارید بروید چون امتثال قطعی مقدم است بر امتثال ظنی.
   2. اما وقتی به این طریق علم تفصیلی ندارید، نهایتا نهایتا اگر از همه اشکالات گذشته بگذرم، فقط علم اجمالی داریم، هنوز مشتبه است چه مزیتی دارد، ظن در مساله اصولیه بر ظن مساله فقهیه؟ به هر کدام که عمل کنید طبق مقدمات انسداد نباید مشکلی داشته باشید. این که متعلق یک ظن مساله اصولیه است، طریق است و متعلق ظن دیگر مساله فرعیه فقهیه است که مرجح نیست.

هذا؛ و للکلام تتمة و تکملة ان شاء الله جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.